

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

یکشنبه، ۰۵ سپتمبر، ۲۰۲۱

فرستنده: میر عبدالرحیم عزیز

## یاد داشتی پیرامون اعتراف «جو بایدن» به شکست امریکا در افغانستان

اقتباس از:

[www.toufan.org/Maghalat\\_jadid/Baiden\\_va\\_afghanistan T elec ۱۸۲.htm](http://www.toufan.org/Maghalat_jadid/Baiden_va_afghanistan_T_elec_182.htm)

براساس برآوردها و آمار اعلامی، امریکا ده ها میلیارد دلار در افغانستان هزینه کرد که هشتاد میلیارد دلار صرف ساخت و مجهز کردن ارتش افغانستان شد، اما این ارتش در مقابل نیروهای طالبان چون مقوا فرو پاشید، اسلحه را زمین گذاشته و پا به فرار گذاشتند. چنین فروپاشی سریعی حتا بسیاری از سردمداران ناتو را حیرت زده کرد. رژیم فاسد، مزدور و هوادار اشغال افغانستان که فاقد هرگونه پیوندی با مردمش باشد نمی‌تواند جز این انتظار داشته باشد. ارتش افغانستان انگیزه‌ای نداشت در مقابل نیروئی بجنگد که خواهان خروج اشغالگر از افغانستان است و حاضر باشد به عنوان متحد در کنار مجاهدان سابق قرار گیرد که پس از به قدرت رسیدن به سرمایه‌های افسانه‌ای دست یافته و افغانستان را غارت کرده و می‌خواهند فرزندان مردم افغانستان را به کشتن بدهند.

امریکا با هدف مبارزه با «تروریسم و نابودی طالبان» بیش از بیست سال افغانستان را در تحت اشغال خود داشت و با بیش از ۴۵۰۰ کشته و دهها هزار مجروح و علیل بدون هیچ دستاوردی جز کشتار و ویرانی و پاشاندن فسفر سفید بفرزاد مردم بیدفاع روستاها، بمباران عروسی‌ها، مراسم عزاداری بیمارستان‌ها و مدارس مفتضحانه پا به فرار گذاشت. امپریالیسم امریکا خودش بزرگترین تروریست جهان است و نمی‌تواند مبارز ضد تروریسم باشد. آنها حتی یکبار نیز اشتباها مزارع تریاک را که خودشان در آن سهم بودند بمباران نکردند.

امپریالیسم امریکا با شکست معادلات سیاسی اش در منطقه اکنون امیدوار است با سازش با جناحی از طالبان، و یا با نفوذ خود در مخالفان و با فعال کردن عوامل خویش که در افغانستان تربیت کرده است، در کادر به رسمیت شناختن حکومت جدید به تواند جهت‌گیری احتمالی طالبان بسوی ایران، روسیه و بویژه چین را متوقف کند و به تحریک علیه قطب مقابل به پردازد. اما احتمال محقق شدن چنین سیاستی در شرایط کنونی با توجه به ضعف مالی و افول آمریکا و از طرفی هوشیاری و پیشروی قطب مقابل بعید به نظر می‌رسد.

آنچه در افغانستان در طول بیست سال اشغال رخ داد، جنگ و کشتار خونین و حضور نظامی بیش از ۳۰ کشور با بیش از ۳۰۰ هزار نیرو، امری ساختگی و توطئه و جنگ زرگری بین «ارباب و نوکر» نبوده است. این رویدادها یک جنگ واقعی و امپریالیستی و تجاوز کارانه بوده که بر ملت افغانستان تحمیل شده است. متأسفانه برخی از محافل سیاسی در اثر پیچیدگی اوضاع و تناقضات جاری و عدم درک صحیح از تضادهای اجتماعی و تحول آنها، همه تحولات سیاسی افغانستان را، از آغاز تاکنون ایستا و نقشه‌ای از قبل طرح‌ریزی شده و در کادر و اراده «اربابان جهان» مورد تبیین قرار می‌دهند. به نظر آنها همه چیز صحنه سازی و ساختگی است و مردم و توده ها نقشی در تاریخ ندارند. در دنیائی که این عده برای ساده کردن دنیا و درجه فهم خود ساخته‌اند هم حکومت کنونی افغانستان نوکر آمریکاست، هم طالبان نوکر آمریکاست، هم ایران و پاکستان سرسپردگان امریکا هستند، هم فرار امریکا با زد و بند قبلی و استقرار نوکران جدید به جای نوکران قبلی انجام شده، هم تسلیم سربازان و عدم مقاومت مردم افغانستان در مقابل هجوم طالبان دسیسه امریکاست و در یک کلام دنیا بر اساس قدرتی امپریالیسم امریکا و دست دراز شده تئوری توطئه می‌گردد.

دست‌های نامرئی ای در جهان وجود دارند که سر همه نخ‌ها دست آنان است و دنیا را بر اساس بی اراده بودن خلق‌ها و توده‌ها می‌چرخانند. به نظر آنها که خودشان قربانیان تبلیغات بیست ساله غرب هستند در افغانستان کوچکترین تحولی صورت نگرفته است. آنها همه گرفتار فریب ندبه و زاری مسیح علی‌نژادهای افغانی شده‌اند که خواهان ادامه اشغال افغانستان هستند. تو گوئی زنان افغانستان در دوران حکومت‌های فاسد مجاهدین و ناتو در افغانستان از تساوی حقوق با مردان برخوردار شده بوده‌اند. مثنی عوامل ساخته و پرداخته آمریکا که برای نمایشات بین‌المللی به روی صحنه آورده می شدند تا تحت عنوان دفاع از حقوق زنان و آزادی دوچرخه سواری، اشغال آمریکا و سرکوب مردم افغانستان و کشتار ده ها هزار افغانی را توجیه کنند، امروز نیز برای صحنه سازی های رسانه

ای به میدان آمده اند تا از زشتی فرار امریکائی‌ها بکاهند. هرگز در دوران مجاهدین توده زنان افغانی که در روستاها زندگی می‌کنند از حقوق دموکراتیک برخوردار نبودند و اقلیت ناچیزی زنان افغانی در برخی شهر و آنهم بیشتر در خانواده های مرفه توجیه گر اشغال یک کشور و بمباران مردم عادی آن نیست. در ایران نیز چنین تئوری هایی همچنان رونق دارد و عده ای بعد از چهار دهه از انقلاب بهمن، حکومت ایران را مزدور، محصول و دست نشانده امریکا تبلیغ می‌کنند و تضاد وی را با امریکا ساختگی و یک بازی سیاسی برای فریب مردم و جنگی بین ارباب و مزدور و دیگر هیچ!! به حساب می‌آورند. این عده هیچ رهنمودی برای هیچکس ندارند. آنها قادر نیستند تحلیل مشخص از شرایط مشخص ارائه دهند. آنها در دنیای توطئه خود بر برج عاج روشنفکری با وجدان راحت و بی‌عملی کامل عمر خود را به سر می‌رسانند.

اعتراف و اظهارات بایدن به شکست در افغانستان انتقادات شدید داخلی را برانگیخت!

برایان دین رایت، یک افسر سابق سیا، نوشت: "این کنفرانس مطبوعاتی می‌تواند مفتضحانه ترین و ویرانگرترین کنفرانس مطبوعاتی باشد که یک رئیس جمهور امریکا تاکنون داشته است. و مون آف آلاباما، به طعنه نوشت: «تفاوت در هلی‌کوپترها بود».

شکست مفتضحانه امریکا از همان بدو تجاوز روشن بود زیرا اهداف آنها در منطقه برای تخریب بود و امروز معادلات منطقه برهم خورده است. امریکا دورنمایی برای پیروزی نداشته و ندارد. پیروزی بر کی؟

هر ملتی که چشم و امید به بیگانه بندد هیچگاه توان ایستادن روی پای خود را نخواهد داشت و از جهنمی به جهنمی دیگر فرو خواهد افتاد.

شکست امریکا در افغانستان شکست همه ایرانیان خود فروخته ای است که می‌خواهند در پا رکابی ارتش امریکا به ایران تجاوز کنند و وضعیتی مانند افغانستان در ایران به وجود آورند. شکست امریکا و ناتو در افغانستان شکست همه آن نظریات صهیونیستی در میان ایرانیان بود که از تجاوز امریکا و ناتو به افغانستان به عنوان مبارزه علیه تروریسم و ارتجاع، مبارزه برای "تمدن"، "تحقق حقوق زنان" دفاع کرده و مدعی بودند افغانستان به مهد آزادی و دموکراسی می‌رسد.

امروز این مردم افغانستان هستند که باید از این اشغال بیست ساله بیاموزند و سرنوشت خودشان را به دست بگیرند و علیه ارتجاع طالبان برای نیل به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی وارد مبارزه طبقاتی شوند، راه دیگری متصور نیست.